

نقش باورهای بنیادین بر گرایش‌ها و رفتارهای انسان

□ حسین حجتی

چکیده

باورهای بنیادین از منظر اسلام و غرب تفاوت اساسی داشته و باعث تغییرات عمده در گرایش‌ها و رفتارهای انسان می‌شود. لذا مقاله پیش‌رو در پاسخ به این پرسش که تأثیر باورهای بنیادین بر گرایش‌ها و رفتارهای انسان چیست، ابتدا به تبیین چند مورد از مؤلفه‌های اصلی باورهای بنیادین مانند باور به خداوند و توحید، باور به مخلوق بودن نظام هستی، باور به عالم غیب و امدادهای غیبی، باور به معاد و عالم آخرت، باور به هدف‌مندی نظام هستی و پیوستگی دنیا و آخرت، باور به مخلوق بودن انسان و نقش او در تعیین سرنوشت پرداخته و سپس رویکرد کلی مکاتب غربی و اسلام را در مورد نگرش به آنها اجمالاً مقایسه می‌نماید. بدین منظور از روش تبیینی - تحلیلی، اسناد گردآوری شده و منابع معتبر علمی استفاده شده و با مقایسه صورت گرفته مشخص شد که نوع باورهای بنیادین از نگاه اسلامی و غربی باعث تغییرات اساسی در گرایش‌ها و رفتارهای انسان شده است. زیرا باورهای بنیادین از دیدگاه غربی، تحلیل صرفاً مادی شده و ورای آن فراتر از تجربه و حس، چیزی دیگری وجود نداشته و اموری غیبی چون وحی، قیامت و معاد، روح و غیره احیاناً خرافه خوانده شده و بسیاری از رفتارهای انسان نیز قابل تفسیر نمی‌باشد؛ ولی از منظر اسلامی که مبتنی بر رویکرد عقل‌گرایی خلاقانه، قرآن کریم و سنت است، ورای ماده، امور غیبی بسیاری همچون خدا و خالق هستی، وحی، قیامت،

ملائکه، روح و موارد متعدد دیگری قرار داشته و به انسان به عنوان موجودی چندبعدی نگریسته می شود که هویتش را از خداپرستی به دست آورده و زندگی او دارای ویژگی هایی است که با دیگران به شدت متفاوت بوده و همراه با نتایجی چون آرامش روحی، سلامت نفسانی، خوش بینی، امیدواری، اطمینان خاطر، احساس عزت، تکیه گاه محکم و فواید متعدد اجتماعی بوده و در نهایت، حیات طیبیه را به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: باورهای بنیادین، گرایش ها، رفتارها، دیدگاه اسلامی، دیدگاه غربی.

مقدمه

جایگاه و اهمیت اعتقادات و باورهای بنیادین در زندگی انسان همواره مورد توجه بوده و قرآن کریم از همان آغاز در رویارویی با باورهای جاهلی، خرافی و غیر منطقی انسان های آن دوران و آموزش معارف اساسی و بنیادین، بر نقش اعتقادات و باورهای درست تأکید کرده و از انسان ها می خواهد که با معرفت و شناخت باورهای درست، به آن ها ایمان آورده و آن ها را به عنوان جهت دهنده حرکت عملی خود اختیار نمایند. زیرا برخورداری از اعتقادات و باورهای درست و در یک کلام، بهره مندی از یک جهان بینی صحیح و تنظیم گرایش ها، رفتارها، عواطف، و احساسات بر مبنای آن، زندگی انسان ها را هدف مند و معنادار ساخته و آنها را به تکامل، سعادت و سلامت رهنمون می شود.

مسلم است که باورها و اعتقادات انسان هنگامی دارای اهمیت خواهند شد که انسان به آن قلبا گرایش پیدا نموده و اعمال و رفتار خود را بر طبق آن تنظیم نماید. زیرا ایمان و یقین قلبی نوعی گرایشی است که برآمده از شناخت ها و نگرش های فرد بوده و التزام عملی به آن باورها، به انسان شخصیت و هویت می بخشد.

براین اساس، مقاله حاضر در پی تبیین منظومه ای از باورها و معارف بنیادین، به تأثیر آن ها بر گرایش ها، رفتارها و ساختار شخصیت انسان از منظر قرآن می پردازد.

بیان مسأله

باورهای بنیادین و اعتقادات انسان در زندگی به سان فرمان اتومبیل است که جهت حرکت او را معین نموده و به شخصیت انسان جهت می دهد. منظور از باورهای بنیادین، همان اعتقادات و باورهای او در مورد نظام هستی، جهان، عالم غیب، قیامت، انسان و غیره است که به عنوان تکیه گاه و زیربنای گرایشها و رفتارهای انسان محسوب شده و همه آیینها، ادیان، مکاتب و فلسفه های اجتماعی متکی به نوعی از باورهای اساسی است. هر جامعه ای با توجه به مبانی مکتب خود، از قبیل نگاه به هستی، خدا و انسان، گرایشها و رفتارهای معینی را برمیگزیند که در نهایت، زندگی آنان دارای سبک خاصی می شود.

سبک زندگی نیز تمامی شئون حیات جهانی انسان را دربرگرفته و حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که به طور نظام مند با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می آورد که آن مجموعه عبارتند از: باورها، ارزشها، طرز تلقیها، شیوه های رفتار، حالتها و سلیقه ها که در زندگی انسان نمودار شده و رفتارها و گرایشهای او را جهت می دهند.

با توجه به این ادعا، از مکتب اسلام نیز به عنوان آخرین و کامل ترین دین آسمانی نیز انتظار همین است که باورهای خاص و ایدئولوژی متناسب با آنها را در زندگی برای انسان به ارمغان بیاورد. حال با توجه به عنوان بحث، پرسش اساسی این است که باورهای بنیادین چه تأثیری بر گرایشها و رفتارهای انسان دارد؟ آیا قرآن کریم در مورد تأثیر باورهای اساسی در این مورد کدام اشاره ای دارد؟ آیا قرآن کریم برای متدینان، باورهای خاصی را معرفی نموده است؟ بنابراین، در این نوشتار سعی بر این است که ابتدا باورهای بنیادین، گرایشها و رفتارها از لحاظ مفهومی تعریف و سپس تعدادی از باورهای بنیادین اعم از خدا باوری و توحید، باور به عالم غیب، باور به مخلوق بودن نظام هستی، باور به معاد و عالم آخرت، باور به هدف مندی نظام هستی، باور به مخلوق بودن انسان و غیره از دیدگاه اسلامی و غربی به اختصار توضیح داده شود و در نهایت تأثیر این باورها بر رفتارها، گرایشها و نوع زندگی انسان از منظر قرآن کریم

بررسی و مصادیقی از تأثیر این امر بر زندگی مانند آرامش روحی، سلامت جسمانی، خوش بینی، امیدواری، احساس عزت و غیره، مختصراً توضیح داده شده و در نهایت به حیات طیبه به عنوان محصول نهایی باورهای بنیادین از دیدگاه اسلام اشاره گردد.

ضرورت و هدف تحقیق

مهم ترین عنصری که در موجودیت انسان و هویت آن نقش اساسی دارد، نوع زندگی است که متشکل از گرایش ها و رفتارهای وی بوده و برآمده از اعتقادات، باورها و جهان بینی او است. بر همین اساس، تمام سعی دشمنان یک ملت در تغییر باورها و ارزش ها و بالتبع، سبک زندگی یک جامعه است تا زمینه تسلیم و سرسپردگی آنان را فراهم نمایند. از همین جا می توان بر ضرورت روشن نمودن افکار افراد و جامعه اشاره نموده و سعی کرد تا گرایش ها و رفتارهای افراد در زندگی بهبود یافته و زمینه برای تکامل فراهم شود. پس ضرورت و هدف تحقیق همان بهبود همین گرایش ها و رفتارها در جامعه دینی در سایه باورهای بنیادین برآمده از دستورات اسلامی است، تا از این رهگذار بتوان زمینه را برای گرایش ها و رفتارهایی که انسان را به تکامل و تقرب نایل می سازد، تا حدی فراهم نمود.

مفهوم شناسی

در عنوان اصلی این مقاله کلماتی به کار رفته است که برای روشن شدن آن ها باید به یکسری مطالبی پرداخته شود:

الف)- مفهوم باورهای بنیادین

باورهای بنیادین، همان اصول اعتقاداتی است که در ذهن انسان شکل گرفته و سایر باورها از آن رنگ می پذیرند و اثرات زیادی در رفتار و تصمیم گیری های انسان داشته و در اکثر موارد به عنوان قدرت مندترین الگوهای رفتاری عمل می کنند. این باورها ناشی از عوامل مختلفی همچون: فرهنگ، تربیت، اعتقادات دینی، افکار و برداشت های شخصی و غیره می باشند.

این باورها شامل اعتقاد به خدا، عدل، نبوت، امامت، معاد و غیره هستند که می توانند ارزش ها، اهداف، گرایشها و رفتارهای افراد را مشخص نموده و در تصمیم گیری های افراد در مواجهه با مسائل مختلف تاثیرگذار باشند. (نگارنده)

باورهای اساسی در خودشناسی، شخصیت پردازی و شکل گیری هویت فردی نقش مهمی داشته و موجب تفاوت های فرهنگی و اجتماعی شوند.

شناخت باورهای بنیادین، از مهم ترین مراحل مسیر شناخت و توسعه فردی است. این باورها، حدود و قواعدی را برای فرد ترسیم نموده و موجب می شوند که تصمیم گیری ها و رفتارهای انسان منطبق با این حدود و قواعد باشند. (علوی پور، ۱۴۰۲، باورهای بنیادین چه هستند؟)

ب)- مفهوم گرایشها

«گرایش» به معنای میل و رغبت آدمی به چیزی است؛ (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه «گرایش») و در اصطلاح، عبارت از اعمال و رفتارهای ویژه ای است که آدمی به آنها میل درونی دارد. گرایشها، بسیاری از تمایلات فکری و عملی آدمی را در بر گرفته و به دو دسته کلی مادی و معنوی (مطهری، بی تا، ج ۱: ۱۸۰) تقسیم می شوند:

یک)- گرایشهای مادی

مهم ترین گرایشهای مادی انسان عبارت اند از: حب دنیا، خودپرستی، جاه طلبی، ثروت طلبی و غیره.

دین اسلام با این دسته از گرایشها در صورتی که انسان را از گرایشهای متعالی باز نداشته و مانع تکامل او نشوند، سر ناسازگاری ندارد. میل به زندگی مرفه، جنس مخالف، خوردن، آشامیدن و... اگر در چارچوب قوانین و مقررات شریعت اسلامی جای گیرند، نه تنها ناپسند نیستند بلکه انسان را برای پروراندن گرایشهای معنوی و متعالی، یاری نیز می بخشند. با این حال، گاه گرایشهای مادی انسان از این چارچوب بیرون می روند و صفات و امیال ناپسندی پدید می آورند.

دو)- گرایش‌های معنوی و متعالی

مهم‌ترین گرایش‌های معنوی و متعالی انسان عبارت‌اند از: حقیقت‌جویی، گرایش به خیر و فضیلت، زیباگرایی، نوگرایی و بدیع‌طلبی، پرستش و غیره.

سه)- مفهوم رفتارها

رفتار عبارت از حرکتی است که برای همسو شدن یا مقابله بهتر با شرایط یا اتفاقات پیرامون عرضه شده و شامل مواردی چون: گفتار، کردار، پندار، موضع‌گیری، اظهارنظر، عقیده، انتخاب، نگرش، برداشت، هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری و اموری از این قبیل است. پس «رفتار» یک ابزار ذاتا در دست‌رس و تحت اختیار ما برای مدیریت شرایط است که مهم‌ترین میزان این اختیار، در نگرش انسان نمود پیدا می‌کند. (محمودی، ۱۴۰۱: بحث رفتار)

رفتارها نمایان‌گر نگرش انسانی، اعتقادی و اخلاقی افراد یک جامعه هستند که در پوشش عمل، نمود خارجی یافته و به لحاظ موضوع و نوع عمل متفاوت بوده و در عرصه‌های مختلف می‌توان انواع متفاوتی از رفتارها را برشمرد که هر گروهی از آن‌ها متناسب با نیازهای فردی و اجتماعی، بخشی از نیاز را بر آورده می‌کنند؛ از منظر جامعه‌شناختی بررسی رفتارهای اجتماعی و فردی یک جامعه، معیار خوبی برای سنجش باورمندی افراد به ارزش‌های دینی و قانونی جامعه است. (راد، بی‌تا: ۱۵۹)

مجموعه اصلی از باورهای بنیادین

باورهای بنیادین که به عنوان مبنا و اساس ارزش‌ها و رفتارهای انسان در زندگی محسوب می‌شوند، از مؤلفه‌ها و مواردی تشکیل شده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱- باور به خداوند و توحید

یکی از باورهای اساسی و اصلی که به شدت در گرایش‌ها و رفتارهای انسان تأثیر دارد، باور به خداوند و توحید است که می‌توان گفت که این باور، محور و مبنای بسیاری از باورهای دیگر است. باور یا عدم باور به خدا و توحید موجب تغییرات اساسی در رفتار و کردار انسان در زندگی بوده و به همین اساس، از خصوصیات شاخص قرآن کریم ایجاد بینشی عمیق و ایجاد

اعتقاد برای انسان نسبت به خدا و توحید در زندگی مبتنی بر جهان‌بینی الهی است و همین باور است که باعث خدامحوری در زندگی می‌شود. کسی که به خدا ایمان نداشته باشد، خدامحوری در باره او بی‌معناست: «و اذا قيل لهم آمنوا كما آمن الناس قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء ولكن لا يعلمون». (بقره: ۱۳) از طرفی هر قدر که ایمان به خدا بیشتر باشد، محوریت خدا در زندگی و فعالیت‌های فرد مؤمن هم بروز بیشتری خواهد داشت: «ومن الناس من يتخذ من دون الله أندادا يحبونهم كحب الله والذين آمنوا أشد حبا لله» (بقره: ۱۶۵)؛ و برخی از مردم در برابر خدا همانندهایی برای او برمی‌گزینند و آن‌ها را چون دوستی خدا، دوست می‌دارند ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند.

روش هدایت و تحول‌آفرینی قرآن بدین صورت است که ابتدا انسان را متوجه خلقت، آغاز و فرجام هستی (مبدأ و معاد) نموده و در این راستا، معرفی خداوند، انهدام شرک، نابودی اعتقادات مشرکان و حرکت بر مبنای توحید را سرلوحه کار قرار می‌دهد؛ زیرا با عدم تبیین این نقطه مرکزی و جهان‌بینی، سائری تلاش‌ها بی‌ثمر و ابتر خواهد بود. (مطهری، ۱۳۶۴: ۲۶۹)

آغاز و پایان جهان و انسان از منظر قرآن، خداوند متعال است و اوست که هستی و انسان را آفریده و بازگشت همه به سوی او بوده (بقره: ۱۵۵) و فلسفه این حرکت، اکتساب فضایل است (عنکبوت: ۲) که از طریق شناسایی خداوند و آراستگی به اخلاق او، به کمک عقل، وحی و ریاضت نفسانی میسر گشته و جمله «تخلقوا باخلاق الله» مبنای این تقرب و تشبه است.

قرآن کریم با توجه دادن افکار متفکران به پدیده‌های عالم خلقت و آثار قدرت، علم و حکمت خداوند در طبیعت، ذات پروردگار و صفات جمال و جلال او را آشکار ساخته و با آیاتی مانند: «او لم ينظروا في ملكوت السماوات والارض وما خلق الله من شيء» (اعراف: ۱۸۵) و «افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت، و الى السماء كيف رفعت، و الى الجبال كيف نصبت، و الى الارض كيف سطحت» (غاشیه: ۱۷-۲۰) افکار را تکان داده و کسانی همچون اعراب را که هیچ‌گاه به تفکر و استدلال عادت نداشت، به این مسأله مأنوس ساخته و به‌آنان آموخت که می‌توان از جهان محسوس به رازهای عالم نامحسوس پی برده و بدان ایمان آورد.

نظام آفرینش از منظر اسلام، نیکوترین نظام ممکن بوده که به دست توانای خالق دانا، حکیم و عادل آفریده شده است که بر اساس حکمت خود استحقاق هیچ موجودی را مهمل نگذاشته و تمام اشیاء و افراد را منطبق با استحقاق او برخورداری می سازد؛ «الذی احسن کل شیء خلقه» (سجده: ۷) و «ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی». (طه: ۵۰)

خدایی که علاوه بر خالقیت، مدبر و اداره کننده هستی نیز بوده و انسان با تقویت ارتباط با او هرگز احساس تنهایی و ناامنی نمی کند. اعتقاد به خدا از منظر اسلام، محوری ترین باورها بوده و بر همه میدان های شناختی انسان تاثیر گذاشته و باورهای دیگر حول این محور می چرخند.

۲- باور به مخلوق بودن نظام هستی

از دیگر باورهای بنیادین در زندگی انسان، باور به مخلوق بودن نظام هستی است که از نگرش های بسیار اثرگذار در گرایش ها و رفتارهای انسان است. زیرا، هر فرد، مجموعه هستی را به هر شکلی که می بیند بر همان اساس نیز اهداف و مسیرهای زندگی خود را ترسیم می کند. درباره نگرش به هستی مذاهب متفاوت و زیادی ظهور یافته که همه آنها به دو مکتب اصلی مانند مکتب الهی و مکتب مادی برگشت می کنند. از نگاه مکتب مادی، امور ماوراء ماده، مانند عقول و مجردات، وحی، نبوت و غیره افسانه، خرافه و افیون بوده و قرآن در وصف این ها می فرماید: «وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (انفال: ۳۱)، «يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ». (انعام: ۲۵) این نوع تفکر الحادی بعد از عصر رنسانس دوباره احیا شده و دامنه تبلیغات آن به افکار برخی از مسلمانان نیز سرایت کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۶۶)

از نگاه مکتب مادی گرا، حقیقت و اساس هستی، ماده بوده و پدیده هایی چون روح، حیات، تفکر و شعور نیز شکلی از ماده هستند و تفکر و اندیشه، محصول فعالیت توده مادی مغز بوده و فقط از لحاظ شناختی ارزش دارد. (گوتک، ۲۰۱۳: ۶۸) در بین مکاتب مادی گرای غربی، مکتب پراگماتیسم واقعیت جهان را تجربه بی ثبات و نامعین می داند که انسان بخشی از تجربه و از طبیعت بوده و موجودات غیر طبیعی و عقلانی وجود نداشته و همه چیز در جهان و هستی در اثر تجربه است. (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۶) مکتب پست مدرنیسم

معتقد است که واقعیت، ساخته ما بوده و ما آن را براساس علاقه‌ها، نیازها و فرهنگ خود شکل می‌دهیم و واقعیتی به صورت مستقل و غیر از ما وجود ندارد. (فرمی‌نی، ۱۳۸۹: ۶۱) هستی از منظر پوپر از جهان سه‌گانه تشکیل شده است که ضمن ارتباط آن‌ها با یکدیگر، هیچ یک ارزش بیشتر از دیگر ندارد: ۱. جهان طبیعی با حالت‌های فیزیکی؛ ۲. جهان ذهنی؛ ۳. جهان معقولات که شامل نظریه‌ها، استدلال‌ها و روابط منطقی است. (پولادی، ۱۳۹۸: ۱۲۸)

با نگاهی به مکاتب غربی درمی‌یابیم که غیر از مکتب ایده‌آلیسم، که خداوند را روح مطلق، قدرت ازلی و آفرینش را ساخته او می‌داند؛ بقیه مکاتب، جهان و واقعیت را یا مادی و حاصل تجربه و ساخته ذهن می‌دانند و یا به چندجهانی معتقد هستند.

اما از دیدگاه مکتب الهی و اسلام، کل نظام هستی آفریده پروردگار بوده و اوست که همه عالم را پس از خلقت، در حوزه هدایت تکوینی خویش قرار داده (طه: ۵۰) و واقعیت را که نامتناهی و دارای سطوح غیب و شهود است (بقره: ۳۳)، نمی‌توان بدون خالق و صانع تعریف نمود.

تمام اجزاء هستی و عوالم غیب، شهود و مراتب شناخته و ناشناخته آن، از دیدگاه قرآن کریم، مخلوق خداوند و تجلی اسماء و صفات او بوده و با یکدیگر هماهنگ، مرتبط (بقره: ۲۳۱)، شعورمند (اسراء: ۴۴)، قانون‌مند (یونس: ۲)، هدف‌دار (عنکبوت: ۴۴)، در حال تکامل (اعراف: ۵۴) و مطیع خداوند هستند. (رعد: ۱۵) چیزی غیر از آیات او در هستی وجود نداشته و از این نظر، تفاوتی بین عوالم غیب و شهود، دنیا و عقبی، ماده و معنا و کلی و جزئی وجود ندارد. از نظر هستی‌شناسی اسلامی تمامی عوالم و مراتب وجود، همگی واقعیت داشته و همه هستی از او بوده و به سوی او برمی‌گردد؛ «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». (بقره: ۱۵۶)

(مرزوقی، ۱۳۹۸ ب، ص ۱۳۸)

طبق گفته علامه طباطبایی، یکی از امتیازات قرآن همین است که «هیچ کتاب آسمانی مثل قرآن، علم و معرفت برهانی را در این باره مطرح نکرده است». (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ۷۶)

قرآن کریم در مورد مخلوق بودن هستی می‌فرماید: «أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». (ابراهیم: ۱۰)

به طور کلی، صاحبان فکر و اندیشه در میان مسلمانان با برخورداری از وحی، هرگز به ماورای عالم ماده با دیدی شک و تردید نگاه نکرده و با بهره‌گیری از آیات و روایات فراوان و بهره‌مندی از تفکر و تدبیر و ارائه مطالب مهمی در قالب اشکال منطقی و استدلال‌های عقلی، این مسأله را به صورت یقینی و قطعی اثبات کرده‌اند.

۳- باور به مخلوق بودن انسان

باور به مخلوق بودن انسان یکی از باورهای بسیار اساسی است که تأثیر بسیار عمیقی بر گرایش‌ها و رفتارهای انسان در زندگی دارد. شناخت انسان از گزینه‌هایی است که به شدت ذهن‌ها را به خود معطوف کرده و اهمیت خاصی دارد. انسان‌شناسی به سیستم معرفتی اطلاق می‌شود که به بررسی ابعاد یا یکی از ابعاد وجودی انسان یا قشر و گروه خاصی از انسان‌ها می‌پردازد. (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۴) طبق رویکرد غالبی که غربی‌ها به انسان دارند، حقیقت انسان و ماهیت او همان غرائز و استعدادهای دنیوی او بوده و همان‌هاست که محور کنش‌ها، واکنش‌ها و انتخاب‌گری قرار گرفته و مسیر زندگی هرکسی را مشخص می‌کنند. این تصویر از ماهیت انسان، خواسته‌ها و امیال متعددی را در پی خواهد داشت که اجابت هر کدام آن‌ها و آماده کردن شرایط برای پاسخ درخور به آن‌ها، قابل بررسی است. (نبوی، ۱۳۷۶: ۴۰)

مکاتب متعدد غربی مانند: اومانیزمی، ماتریالیستی، اگزیستانسیالیستی، کمونیستی و بسیاری از انسان‌شناسی‌های پدیدارشنده از تفکر اندیشمندان غربی، در نوع نگاه به انسان، فردیت و اصالت خواسته‌های فردی را به عنوان ماهیت انسان پذیرفته‌اند. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۳۰) نگرش فعلی غربی‌ها در مورد انسان که به عنوان نظریه غالب جامعه غربی است، سکولاریسم است که سعی در حاشیه‌راندن و حذف نقش دین در حوزه‌های مختلف زندگی انسان دارد. دین و خدا از منظر مکتب سکولاریسم، اموری غیر واقعی و زائیده ترس، جهل و یا حاکمان بوده (نقی پورفر، ۱۳۹۴: ۲۸) و واقعیت عینی و خارجی ندارند.

به طور کلی، طبق انسان‌شناسی غربی، انسان موجودی صرفاً مادی است که حقیقت و ماهیت او همان غریزه‌ها و استعدادهای دنیوی او بوده و فراتر از آن چیزی نیست.

اما انسان طبق مکتب اسلام، بر خلاف مکاتب دیگر، هویت و معنای وجودیش را در رابطه مستقیم با خدا به دست می‌آورد. (کافی، ۱۳۹۳: ۳۵) انسان‌شناسی دینی از طریق مراجعه به منابع و متون دینی چون قرآن و سنت، به ابعاد، حقایق، ویژگی‌ها و ارزش‌های گوناگون انسانی پرداخته (فروزنده دهکردی و فروغی نیا، ۱۳۹۲: ۲۱) و ماهیت انسان از دیدگاه متفکران اسلامی، همان فطرت اوست که نقش بنیادی را در تنظیم سبک زندگی و به‌کارگیری قوای عقلانی و تجربی و استمداد از کلام و حیانی ایفا می‌کند. (مطهری ۱۳۹۳: ۳۲) انسان، اصول و ارزش‌ها را از طریق فطرت خود در طول زمان‌ها به صورت ثابت حفظ کرده و در قرآن کریم (روم: ۳۰) نیز بر ماهیت فطری انسان تأکید شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن این فطرتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده».

انسان از منظر مکتب اسلام، توانایی و قدرت این را دارد که سرنوشت خود، جامعه و طبیعت را تغییر دهد و این توانایی از طرف خداوند به او اعطا شده است. این خداوند است که انسان را آزاد، مختار و مسئول آفریده و اوست که بار مسئولیت خود را به‌دوش می‌کشد و بر اساس کردار خود مورد بازخواست قرار می‌گیرد. خداوند در مورد مسئولیت‌پذیری انسان می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَيُّنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا». (احزاب: ۷۲) در این آیه به پذیرفتن امانت الهی از طرف انسان اشاره شده است و این به‌وضوح دلالت دارد که انسان در قبال پذیرفتن این امانت، مسئولیت داشته و مورد پرسش واقع خواهد شد که قرآن کریم در جای دیگری به این نکته اشاره دارد: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». (تکواثر: ۸) بر این اساس، انسان در برابر نعمتی که خداوند به او ارزانی داشته، مسئول بوده و بازخواست خواهد شد.

انسان‌ها از منظر دین اسلام، بندگان خدا، مورد احترام و دارای حقوق مادی و معنوی‌اند که این‌ها با اثبات خدا و معنویت او آغاز می‌شود. خداوند از طریق عقل و وحی (پیامبران) به انسان آموخته است که تنها با نزدیک شدن به خدا و دوری از کفر، گناه و ظلم است که کرامت او حفظ می‌شود و دین برای حفظ کرامت و حقوق او آمده است. (رحیم پورازغدی، ۱۳۸۱:

در قرآن کریم آیات زیادی در مورد آفرینش انسان آمده است که با توجه به آن‌ها می‌توان به نگرش کامل اسلام نسبت به انسان پی‌برد. نکاتی که در این آیات در مورد انسان بسیار حائز اهمیت‌اند این هستند که اولاً: پس از خلقت آغازین جسم انسان از گل، چیز دیگری به نام روح نیز به آن اضافه شده و انسان فقط آفرینش مادی نداشته بلکه علاوه بر آن دارای روح الهی نیز می‌باشد. ثانیاً: روح انسان که انسانیت او به همان روح است، ثابت بوده و با مرگ او از بین نمی‌رود بلکه هنگام مرگ از او گرفته شده و در جایگاه امنی محفوظ می‌ماند. پس انسان منحصر به همین بدن مادی نبوده و علاوه بر آن، روحی هم دارد که بعد از مرگ باقی می‌ماند چرا که اگر تنها بدن مادی بود، نیازی نبود که قرآن بگوید: «ثم سواه ونفخ فيه من روحه»، بلکه باید می‌فرمود که انسان را از گل و نطفه آفریدیم. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۴۴)

انسان از دیدگاه قرآن، یکی از بنیادی‌ترین مسائل هستی پس از وجود خداوند بوده و در آفرینش او هدفی نهفته بوده (مؤمنون، ۱۵ و ۱۶) و هدف نهایی از خلقت او همانا رسیدن به مقام خلیفه اللهی است (حجر، ۲۹ و ۳۱) که تنها از طریق عبودیت حاصل می‌شود. (اعراف، ۱۲) پس طبق آیات قرآن، هستی برای انسان، انسان برای عبادت، عبادت برای تقوای الهی و تقوا برای رستگاری انسان است. (بقره، ۵) (هاشم زاده و همکاران، ص ۳۹۴)

به طور کلی، در روی‌کرد غربی، به انسان صرفاً به عنوان موجودی مادی توجه شده است؛ اما در روی‌کرد اسلامی به تمام ابعاد و شخصیت انسان توجه شده و برای همه ابعاد وجودی انسان، برنامه‌های ویژه وجود دارد.

۴- باور به نقش انسان در تعیین سرنوشت

از جمله باورهایی که نقش مهمی در زندگی انسان دارد و باعث تغییر در گرایش‌ها و رفتارهای افراد می‌گردد، باور به نقش انسان در تعیین سرنوشت است. انسان موجودی انتخاب‌گر و مختار بوده و این توانایی به او داده شده که با انتخاب خود، راه حق یا باطل را برگزیده در نتیجه هدایت یابد یا گمراهی پیشه کند. (انسان: ۳) او می‌تواند آزادانه زندگی پایدار را انتخاب کند یا حیات فناپذیر را و نتیجه انتخاب او در تعیین سرنوشتش تأثیر به‌سزایی دارد. هر عمل انسان در این دنیا نتیجه‌ای را به دنبال داشته و او هرگز از نتایج کردار مطلوب یا نامطلوب خود بی

بهره نمی‌ماند. (انبیاء: ۴۷) براین اساس، نه تنها تلاش‌های انسان از دست نمی‌رود، بلکه آنچه برای او می‌ماند، نتیجه تلاش‌های اختیاری اوست. (زلزال: ۸ و ۷) نه دیگران می‌توانند سرنوشت او را تغییر دهند و نه او مسئول سرنوشت و اعمال دیگران است. (نجم: ۳۸)

قرآن کریم در طی آیاتی چند، به نقش انسان در تعیین سرنوشت خود پرداخته و می‌فرماید: «ان لا تزر وازرة وزر اخرى و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری ثم یجزاه الجزاء الاوفی» (نجم: ۳۸-۴۱)؛ «هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست، و نتیجه کوشش او به زودی دیده خواهد شد سپس هرچه تمام‌تر وی را پاداش دهند»

در این آیات شریفه چند نکته کلیدی و مهم بیان شده است: اول این که نتایج اعمال انسان به خود او برگشت می‌کند؛ دوم این که هرکس مسئول عمل خودش بوده و کسی بار دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ سوم این که هر کسی نتیجه تلاش خود را خواهد دید؛ چهارم این که پاداش هر عملی به نحو کامل دریافت و به صاحبش داده شده و هیچ عملی هدر نمی‌رود. آگاهی انسان از نقش اختیار و اراده در تعیین سرنوشت دنیوی و اخروی، تأثیر بس‌مهمی در سلامت و آرامش روانی او داشته و موجب می‌شود که وی تن به کسالت و تبلی نداده و با دل‌گرمی تمام به سعی و تلاش بپردازد؛ زیرا می‌داند که نتیجه سعیش قطعاً روزی به او باز خواهد گشت. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۸۵)

۵- باور به عالم غیب و امدادهای غیبی

باور بسیار مهم دیگری که به عنوان یکی از باورهای اساسی انسان محسوب می‌شود، باور به عالم غیب و امدادهای غیبی است؛ به نحوی که انسان علاوه بر بخش پیدای هستی، به بخش ناپیدا و غیب آن نیز باور داشته باشد؛ زیرا در بحث از هستی، بخشی از آن مثل: زمین، آسمان، ستارگان و غیره، که همین طبیعت اطراف ما را تشکیل می‌دهد؛ بخش پیدای هستی است که قرآن در مورد آن سخنان متنوع و بسیاری دارد. اما بخش بزرگ و اساسی آن، مربوط به غیب آن است که از دید مادی ما پنهان بوده و شامل مواردی چون: خدا، فرشتگان، جن، شیطان، روح، برزخ، قیامت، بهشت، دوزخ و غیره می‌شود که قابل مقایسه با بخش طبیعی و شهود آن

نبوده و سهم بسیار بزرگی را به خود اختصاص داده است؛ گرچه ممکن است به واسطه مأنوسیت و درگیری ما با بخش مادی و شهود، بخش غیب هستی برای ما نامأنوس باشد که بسیاری از اشکالات در سبک زندگی انسان‌ها ناشی از همین نامأنوس بودن و باورنداشتن به غیب است. اعتقاد واقعی به اسلام در صورتی ممکن است که انسان ایمان به غیب داشته و این مسأله برای او حل شده باشد. انسان در زندگی می‌تواند به برخی از مصادیق غیب علم پیدا کند و برخی نیز از اختصاصات پروردگار بوده و هیچگاه برای انسان روشن نخواهد شد (قنبریان و همکاران، ۱۳۹۴) و فقط خداوند است که به تمام معنی، عالم غیب و شهود (انعام: ۷۳) و همه آن در اختیار او بوده (انعام: ۵۹) و کسی دیگر از آن مطلع نمی‌شود مگر به اذن پروردگار. (انعام: ۵۰)

در مورد امدادهای غیبی در زندگی بشر نیز خداوند در قرآن می‌فرماید: «هو الذي أنزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا إيماناً مع إيمانهم». (فتح: ۴) طبق این آیه مسلم است که نتیجه ایمان به خدا، امدادهای غیبی الهی در زندگی انسان مؤمن بوده و وجود این امدادها مایه آرامش آنان‌اند.

قرآن کریم در آیه دیگری می‌فرماید: «يا ايها النبي حرض المؤمنين على القتال إن يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مائتين و إن يكن منكم مائة يغلبوا ألفاً من الذين كفروا بأنهم قوم لا يفقهون» (انفال: ۶۵)؛ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ با دشمن تشویق کن! هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی‌اند که نمی‌فهمند!

این نمونه دیگری از امدادهایی غیبی است که خداوند به مؤمنان راستین وعده می‌دهند، تا آنان در مسیر زندگی ثابت قدم و مقاوم بوده و با تمام انگیزه به سوی هدف اصلی رهسپار شوند. پس ایمان به خدا در زندگی، از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عامل آرامش و اطمینان قلبی انسان‌ها بوده (رعد: ۲۸) و موجب کارآمدی انسان مؤمن و باعث رشد و تعالی او در همه ابعاد وجودی گشته و سبب برتری او بر انسان غیرمؤمن از لحاظ روحی و فکری می‌گردد و همین برتری

روحی و کیفی در مقابله ایمان و کفر، معادلات را به نفع مؤمنین تغییر می‌دهد. (فیروزی، سال ۱۳۹۳: ۴۹)

براین اساس، ایمان به غیب و باور به امدادهای غیبی موجب تقویت اراده و فراهم نمودن زمینه موفقیت در زندگی گشته و مسیر را به سوی تعالی هموار می‌کند.

۶- باور به معاد و عالم آخرت

از جمله باورهای اساسی انسان، باور به عالم آخرت و معاد است؛ زیرا ابدیت طلبی از جمله نیازهایی است که ذاتی انسان بوده و در دنیای مادی امکان پاسخ درخور برای آن نیست و باید عالم دیگری غیر از این عالم موجود باشد که مناسب برای پاسخ‌گویی نیازهای انسان باشد. از این رو، برخی فیلسوفان، علت اصلی نگرانی و اضطراب انسان را نگرانی حاصل از میل به جاودانگی از یک سو و علم به فناپذیری از سوی دیگر می‌دانند. (میزیاک و سکستون، بی تا، ص ۶۵۲)

قرآن کریم ضمن به رسمیت شناختن این نیاز فطری انسان، بهترین راه پاسخ‌گویی به آن را باور به وجود جهانی می‌داند که ویژگی اصلی آن، ابدیت، ماندگاری، امنیت بخشی و سلامت‌آفرینی است و می‌فرماید: «کل نفس ذائقة الموت و انما توفون اجورکم يوم القيامة»؛ (آل عمران: ۱۸۵) «هر جاننداری چشنده مرگ است، و همانا روز رستاخیز پاداش‌های تان به طور کامل به شما داده می‌شود».

خداوند متعال در مقام مقایسه سرای فانی با جهان باقی، زندگی دنیا را متاعی اندک و زندگی آخرت را نیکوتر و پایدارتر معرفی نموده و به انسان گوش‌زد می‌کند که اعمال و رفتار آنها در این دنیا، سرنوشت آنها را در جهان آخرت تعیین نموده و پاداش و جزای اعمال‌شان در جهان آخرت داده خواهد شد. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۸۳)

اعتقاد به معاد و روز واپسین از مهم‌ترین عامل توجه به خداوند متعال بوده و می‌توان گفت که به موجب همین است که آیات مربوط به معاد، حجم و تعداد بیشتری نسبت به سایر آیات دارد. توجه و اعتقاد به حیات پس از مرگ و باور به دریافت پاداش در آن جایگاه براساس اعمال و رفتاری نیکی که انسان در دنیا انجام داده و اعتقاد به ثواب و عقاب در آن روز، وی را به انجام

اعمال خداپسند و نیکو سوق خواهد داد. از طرفی انکار معاد موجب کج روی انسان ها در زندگی و عدم اهمیت به کارهای نیکوست: «أیحسب الإنسان أن نجمع عظامه * بلی قادرین علی أن نسوی بنانه بل یرید الإنسان لیفجر أمامه» (قیامت: ۵-۳)؛ آیا انسان گمان می کند که نمی توانیم استخوان هایش را جمع کنیم؟! [نه تنها قادر به جمع استخوان هاییم بلکه قدرت داریم که سر انگشتان او را نیز به حالت اول برگردانیم. [انسان شک در معاد ندارد بلکه می خواهد] آزاد بوده و بدون ترس از دادگاه قیامت در تمام عمر گناه کند.

کسانی که عالم را محدود به زندگی مادی دانسته و برای آن ادامه ای قائل نیستند، تلاش های خود را بی ثمر دانسته و یأس بر آنان حاکم می شوند؛ اما آن هایی که زندگی را فراتر از زندگی مادی دانسته و ورای آن به عالم دیگر معتقد هستند، هیچ گاه دچار ناامیدی نشده و تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا در آن جهان از اعمال نیکو بی بهره نباشند؛ «و ماتقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند الله إن الله بماتعملون بصیر» (بقره: ۱۱۰)؛ و هر خیری که برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خداوند متعال [در سرای دیگر] خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما بیناست.

انسان با اعتقاد به چنین جهانی، می تواند با کل هستی، ابدیت و ماورای ماده ارتباط برقرار نموده و با معنابخشیدن به زندگی، از آسیب های سخت روحی همچون احساس پوچی، سردرگمی، ترس از نیستی و جدایی از دلبستگی های دنیوی، ناتوانی از مقابله با دشواری ها و رنج زندگی در امان بماند. (مهدوی راد، ۱۳۹۰: ۱۸۳)

معادباوری اعتماد به نفس و قدرت انسان را بر صبر و تحمل رنج های زندگی افزایش و احساس امنیت و آرامش را در نفس او قرار داده و این گونه او را غرق در احساس خوش بختی می کند. امام حسین (ع) در توصیف مرگ می فرماید: «مرگ برای شما همانند پلی است که از محیط رنج و زحمت عبورتان می دهد و به بهشت وسیع و نعمت هایش می رساند. کدام یک از شما بی میل است که از تنگنای زندان به کاخ مرفهی منتقل گردد». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ص ۲۹۷)

۷- باور به هدف مندی هستی و پیوستگی دنیا و آخرت

یکی دیگر از باورهای مبنایی انسان، باور به هدف‌مندی هستی و پیوستگی دنیا و آخرت است. آیاتی از قرآن کریم که اشاره به حکمت خداوند داشته و حق بودن جهان هستی را یادآور شده (انعام: ۷۳) و خلقت جهان هستی را سرگرمی و بازیچه نمی‌دانند (انبیاء: ۱۶) و همین‌طور آیاتی که هدف‌دار بودن زندگی انسان را یادآور شده (مؤمنون: ۱۱۵) و مقصد نهایی همه دگرگونی‌ها را به‌سوی خدا (شوری: ۵۲) معرفی می‌کنند، همگی دلالت بر این مطلب دارند که تمامی اعمال الهی دارای هدف صحیح بوده و هستی کاملاً هدف‌مند است.

هدفی که در جهت تعالی و رشد انسان در نظر گرفته شده و باید او مسیر تکامل را پیموده و به مقام قرب الهی برسد؛ «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶) و پیش از رسیدن به هدف عالی، باید امتحاناتی را پشت سر بگذارد: «الذي خلق الموت والحياة ليبلوكم أيكم احسن عملاً». (ملک: ۲) از این‌رو، تمامی وسایل آزمایش و ابزار شناخت در اختیار او نهاده شده و محدود بودن زمان و مکان آزمایش و ویژگی‌های آن به او یادآوری و همه امکانات برای رشد استعدادهای او فراهم شده تا او با شناخت راه تکامل و حرکت در آن مسیر، شایسته خلود در جوار رحمت الهی گردد. پس هدف از آفرینش جهان، آزمودن انسان و برگزیدن راه بندگی و رسیدن او به مقام قرب و تکامل است. بنابراین؛ با شناخت هدف‌مندی جهان هستی، زندگی معنادار گشته و انسان از افسردگی، پوچ‌گرایی و بسیاری از امراض روحی در اثر ناتوانی تفسیر درست زندگی، رهایی می‌یابد.

اما آنانی که هدف از زندگی را در قالب حیات مادی دنیوی جستجو می‌نمایند، به‌خاطر محدودیت جهان طبیعی و عالم مادی، هرگز پاسخ خود را در آن نیافته و درمانده خواهند گشت.

از منظر اسلام، دنیای قبل از تولد، بعد از تولد، مراحل پس از مرگ و قیامت و مواقف مختلف آن تا بهشت و جهنم همگی یک‌پارچه و به‌هم‌پیوسته بوده و دنیا به تنهایی ارزش اصلی نداشته و فقط مزرعه‌ای برای عالم آخرت است و این عالم است که اصیل بوده و به عنوان دارالقرار است. (انعام: ۳۲) در این بین، خداوند انسان را به‌واسطه مختار بودنش، مسئول کارها و اعمال خودش قرار داده (آل عمران: ۱۴۵) و اوست که با توجه به امکانات، استعدادها، ظرفیت‌ها و

سرمایه‌های خود، مراحل بعدی را می‌سازد. اوست که در بازار دنیا و در این صحنه تجارت، وارد میدان شده و با تمام تلاش، سرمایه‌های خود را به کار گرفته و باید دنبال سود بیشتر باشد و در صورت کم‌کاری، غفلت و بدکاری، ممکن است سرمایه‌های خودش را از قبیل عمر، امکانات مادی و معنوی، توانایی‌های جسمی و روانی و غیره را از بین برده و کدام نفع و سودی عاید او نشود و ای بسا ممکن است با توانایی‌ها و سرمایه‌های خود دیگران را نیز از پیمودن راه درست باز دارد. (نحل: ۸۸)

بنابراین؛ تمام اجزاء هستی هدف‌مند و همه مراحل آن به هم پیوسته و ناگسسته بوده و ناممکن است کسی در آخرت، به محصولی غیر از کشته خود دست یابد.

۸- باور به نظارت الهی بر نظام هستی

باور به نظارت الهی بر نظام هستی از مجموعه باورهای است که مبنای بسیاری از گرایش‌ها و رفتارها در زندگی قرار می‌گیرد. نظارت در قرآن کریم تفاوت اساسی با نظارت در نظام‌های غیر الهی داشته و از دیدگاه غرب، کنترل و نظارت، بیرونی بوده و بر افراد سازمان تحمیل می‌شود و هدف آن رسیدن به سود بیشتر است. اما نظارت الهی از منظر قرآن، آن نظارتی است که بر انسان به هدف رشد و کمال اعمال می‌گردد. (فیروزی، ۱۳۹۳: ۴۴)

نظارت الهی کامل‌ترین نوع نظارت بر عمل‌کرد انسان بوده و او همواره نظارت خداوند را بر رفتار و کردار خود احساس نموده و او را ناظر بر تمامی اعمال و فعالیت‌های خود می‌داند و این احساس نظارت، از عوامل بسیار مؤثر کنترل انسان و جامعه بوده که هم انگیزه قوی برای اعمال شایسته و هم بازدارندگی مناسب از اعمال نادرست را برای انسان ایجاد می‌کند. (فیروزی، ۱۳۹۳: ۴۴) قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ربنا إنك تعلم ما نخفي وما نعلن و ما يخفي على الله من شيء في الأرض ولا في السماء»، (ابراهیم: ۳۸)؛ پروردگارا، بی گمان تو آنچه را پنهان می‌داریم و آنچه را آشکار می‌سازیم می‌دانی و چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند.

همچنین می‌فرماید: «و هو الله في السماوات وفي الأرض يعلم سرکم و جهرکم و يعلم ما تکتبون» (انعام: ۳)؛ و اوست که در آسمان‌ها و در زمین خداوند است. نهان و آشکار شما را می‌داند و هر چه را به دست می‌آورد [نیز] می‌داند.

علاوه بر نظارت دقیق خداوند بر عمل‌کرد انسان‌ها، بررسی دقیق و حساب‌رسی کردار آن‌ها هم با اوست: «وإلى الله ترجع الأمور». (حدید: ۵)

امام علی (ع) می‌فرماید: «فاتقوا الله الذي أنتم بعينه ونواصيکم بیده و تقلبکم في قبضته، إن أسررت علمه، وإن أعلنتم کتبه، قد وكل بکم حفظة کراما، لا یسقطون حقاً ولا یثبتون باطلا» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷: ۶۰۲، خ ۱۸۲)؛ پس بترسید از خداوندی که شما در برابر نظر او هستید و موهای پشانی و خفت‌وخیز و نشست‌وبرخاست شما در دست اوست. اگر شما اعمالی را پنهانی انجام دهید و با کسی نگوئید او می‌داند و اگر آشکار نمایید، می‌نویسد، نگهبانان گرامی را بر شما واداشته که حق از قلم نمی‌اندازند و بی‌جا و ناکرده را نمی‌نویسند.

۹- باور به جریان عدالت الهی در نظام هستی

از باورهای اصلی که به‌عنوان مبنای گرایش‌ها و رفتارها در زندگی قرار می‌گیرد، باور به جریان عدالت الهی در نظام هستی است که این صفت در قرآن کریم، یکی از صفات الهی قلمداد شده است: «شهد الله أنه لا إله إلا هو و الملائكة و أولو العلم قائما بالقسط» (آل عمران: ۱۸)؛ خدا و فرشتگان و دارندگان دانش، گواهی می‌دهند که معبودی جز خدای یکتا که به پادارنده عدل است، نیست.

عدل به مفهوم فلسفی، مبنای معاد و به مفهوم اجتماعی، هدف رسالت و نبوت انبیا بوده (فیروزی، ۱۳۹۳: ۴۴) و آیاتی نیز به این مطلب اشاره دارد: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات وأنزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵)؛ همانا فرستادگان ما را با دلایل روشن فرستادیم و همراه ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به راستی و هدایت گرایند.

نظام آفرینش، بر پایه عدل، توازن، استحقاق‌ها و قابلیت‌ها و به دیگر سخن، بر عدل تکوینی استوار بوده و عدل تشریعی (وضع و تشریع قوانین بر مبنای عدل) نیز همواره رعایت شده و

حکمت رسالت و بعثت انبیا نیز حاکم بودن عدل و قسط بر زندگی بشر بوده است. (ر.ک: حدید: ۲۵)

عدل امر کلیدی است که از دیدگاه قرآن، با امور اعتقادی دیگر رابطه تنگاتنگ داشته و در ارتباط با توحید یا معاد، به نگرش انسان به هستی شکل خاص داده و نوعی از جهان‌بینی را به وجود می‌آورد. همین عدل در ارتباط به نبوت و تشریع و قانون، معیار قانون‌شناسی بوده و در ردیف کتاب و سنت قرار می‌گیرد. (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۱-۵۹)

باورهای بنیادین از نگاه غربی و اسلامی و تأثیر آن‌ها بر گرایش و رفتار انسان از آنجایی که نگرش‌ها و باورهای کلی انسان نقش اساسی در سبک زندگی افراد دارند، می‌توان گفت که این باورها به عنوان مبنای نظام ارزشی و مدل زندگی انسان بوده و جهت‌گیری او را در زندگی مشخص نموده و جهان و حیات را معنادار می‌سازد.

باورها و نگرش‌های کلی، در تمام رفتارهای انسان حضور داشته و به سان نخ‌در میان مهره‌هاست که موجب پیوند رفتارهای پراکنده می‌گردد. ممکن است در ابتدا مشترکات زیادی در سبک زندگی مسلمان و غیرمسلمان یافت شود؛ اما با تعمق در خواهیم یافت که این‌ها یکسان نبوده و هر کدام منطبق با نگرش‌های زیربنایی افراد هستند و حتی نخ‌تسیب‌هایی وجود دارند که بر این نگرش‌های کلی تأثیر دارند. (کاویانی، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

بر این اساس، باورها و جهان‌بینی انسان اثر زیادی بر انتخاب روش‌ها در برآوردن نیازهای جسمی، مادی و روحی دارد. نگاه مادی‌گرایانه به عالم، بسیار متفاوت با نگاهی است که ورای ماده به معنویات و مجردات توجه دارد ولو مشترکات ظاهری زیادی هم داشته باشند. (قنبریان، ۱۳۹۴)

سبک زندگی در هر کشور و نظامی، خواه و ناخواه بر یک نوع جهان‌بینی مبتنی است. در واقع سبک زندگی انسان نوعی از ایدئولوژی و نوعی از «بایدها و دستورها» است که این «بایدها» نیز از «هست‌ها» یعنی جهان‌بینی سرچشمه می‌گیرند؛ لذا تا «هست‌ها» را ندانیم، ممکن نیست «بایدها» را بشناسیم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۵) بنابراین، نظام‌های اجتماعی

و مدل زندگی آنها دارای یکسری رسالت‌ها و اهدافی هستند که متکی بر باورها و جهان‌بینی خاص می‌باشند.

به‌طور مثال در یک نظام سرمایه‌داری که هدف نهایی آن حداکثر تولید می‌باشد، نگاه به نیروی انسانی به‌عنوان چرخ‌دنده‌های یک ماشین تولید کالا است؛ ولی در نظام اسلامی با توجه به نوع باور، جهان‌بینی و نوع نگاهی که به انسان دارد، هدف آن خدمت به انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و هموار کردن مسیر تکامل برای اوست. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۴۳)

الف) - باورهای بنیادین از نگاه غرب و تأثیر آن بر گرایش‌ها و رفتارها

طبق گفته‌های پیشین، نگرش غالب در باورها و جهان‌بینی غربی نسبت به هستی، ماده‌گرایی بوده و تبیین آن در رابطه با انسان، بر اساس بعد مادی آن است. در حالی که جهان‌بینی در مکتب اسلام، جهان‌بینی توحیدی است که خداوند را به عنوان خالق، مدیر و مدبر جهان هستی و در رأس امور می‌بیند. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۴۳)

سبک زندگی غربی و مدیریت آن براساس فاشیسم، اومانیسم، لیبرالیسم، منفعت‌گرایی و سودپرستی بوده (احمدی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۲) و از دیدگاه مکاتب غربی، هدف در رسیدن به سود و بهره‌وری بیشتر است و به ارزش‌های انسانی در حد توجه به محصول اکتفا می‌شود.

طبق تعاریف و مبانی به‌دست‌آمده از مکاتب متعددی مثل مکتب کلاسیک و غیره، انسان به‌عنوان موجودی ماشینی و مکانیکی تلقی شده است. در روی‌کرد کلاسیک، همه فعالیت در جهت تحقق اهداف سازمان، افزایش کارایی، بهره‌وری و اثربخشی است. نئوکلاسیک‌ها به دنبال جای‌گزین کردن عاطفه به جای انگیزه‌های مادی بوده و ایجاد انگیزه عاطفی، روابط، روحیه و پوشش ظاهراً انسانی در جهت تحقق اهداف سازمانی برنامه‌ریزی شده است و در همه این مکاتب منافع مادی در درجه اول و انسان به‌عنوان یک ابزار و وسیله در درجه چندم اهمیت است. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۴۳)

مکاتب غربی و ماتریالیستی با نوع نگاهی که به مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و غیره دارند، همه ابعاد وجودی انسان را بر اساس قوانین مادی توجیه نموده

و قوانینی را که بر وجود انسان حاکم‌اند، شعبه‌هایی از قوانین مادی تلقی کرده و آن‌ها را فقط براساس این نگرش تحلیل می‌کنند. (همان)

ب)- باورهای بنیادین از نگاه اسلام و تأثیر آن بر گرایش‌ها و رفتارها

سبک زندگی در اسلام به معنای اداره امور و بهره‌برداری صحیح از نعمات خداوند براساس باورها و جهان‌بینی توحیدی است. یعنی همه اعمال و رفتار انسان باید براساس جهان‌بینی توحیدی باشد و او موظف است که اعمالش را با این جهان‌بینی تطبیق دهد.

در نظام اسلامی، هدف، رشد و تعالی انسان در جهت رضایت خداوند و قرب الی‌الله بوده و حداکثر بهره‌وری، حفظ ارزش‌ها دانسته شده و اولویت با کاری است که برای این هدف مفیدتر واقع شود. (درخشان‌فر، ۱۴۰۲: ۲۴۳)

انسان از نگاه مکتب توحیدی، به عنوان خلیفه‌الله بوده و خودش هدفی است که وسایل و ابزار دیگر در جهت کمال و رشد او به کار گرفته می‌شود نه اینکه او خودش وسیله برای امور دیگر باشد؛ به نحوی که در قرآن به این مطلب تصریح شده است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...». (بقره: ۳۰)

انسان از نظر اسلام، مستقل، آزاد (زمر، ۱۸؛ بقره، ۲۰)، مسلط بر طبیعت، زمین و آسمان (لقمان، ۲۰)، مسئول خویش و جهان (بقره، ۴۸)، دارای ظرفیت نامحدود علمی و برخوردار از شرافت و کرامت ذاتی (اسراء، ۷۰؛ یوسف، ۵۰) بوده و حق استفاده مشروع از همه نعمات خداوند (انعام، ۱۰۴) را داشته و در برابر خدا و خالق خودش دارای تکلیف بوده (همان) و اوست که باید زندگی را منطبق با اهداف وجودی خودش پی‌ریزی کند. اینجاست که اثرات باورها و جهان‌بینی در سبک زندگی بروز کرده و از طریق میزان سهم ارزش‌های اسلامی در تعیین اهداف و خط‌مشی‌ها، روش‌های علمی و غیره، ظاهر می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۷۰)

اینجاست که با یک نگاه کلی به باورهای اسلامی متوجه اثرات آن در تعیین سبک زندگی اسلامی شده و نقش بنیادین آن را در ایجاد یک مدل زندگی متمایز از مکاتب دیگر در خواهیم

یافت. زیرا تمایز سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی در جوامع کاپیتالیستی، کمونیستی و یا هر نوع جامعه دیگری در این نکته نهفته است که زندگی اسلامی متکی و مبتنی بر حق محوری، آخرت گرایی، عدالت طلبی، معنویت طلبی، صداقت گرایی، خدامحوری و وحی گرایی است. (علی احمدی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۴۲) اما سبک زندگی غربی و مدیریت آن براساس فاشیسم، اومانیسم، لیبرالیسم، منفعت گرایی و سودپرستی است. (همان)

بروز آثار باورهای بنیادین در زندگی از دیدگاه اسلام

اثرات باورها بنیادین و جهان بینی اسلامی در ساحات مختلف زندگی انسان بروز داشته و در ابعاد گوناگون آن اعم از فردی، اجتماعی، جسمی، روحی، مادی و معنوی قابل مشاهده می باشد که در این نوشتار به تعدادی از آن اثرات در ابعاد مختلف اشاره می گردد:

۱- تکیه گاه محکم و رستگاری

از اثرات مهم باورهای بنیادین اسلامی بر سبک زندگی این است که انسان خود را متکی به تکیه گاه محکمی احساس کرده که زوالی برای آن نیست و همیشه انسان را از مهالک نجات می دهد و آن تکیه گاه، همان عروة الوثقی یا همان ریسمان الهی می باشد که انسان مؤمن با چنگ زدن به آن، خود را از هر پرتگاهی می رهاند.

قرآن کریم در این مورد می فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (البقرة: ۲۵۶)؛ در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت (بت و شیطان، و هر موجود طغیان گر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستنی برای آن نیست، و خداوند، شنوا و داناست.

از همه مهم تر این که چنگ زدن به ریسمان الهی وقت انسان را از مهالک نجات دهد، قطعا همین باعث رستگاری او نیز می گردد؛ زیرا انسانی که با چنین ایمانی ظاهر شده و می خواهد در پناه الهی باشد، مسلما متقی و رستگار خواهد بود. قرآن می فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ... أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مجادله: ۲۲)؛ هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی‌یابی که با دشمنان خدا و رسولش دوستی کنند،؛ آن‌ها «حزب الله» اند؛ بدانید «حزب الله» پیروزان و رستگارانند.

۲- هدف‌دار شدن زندگی

یکی دیگر از اثرات ارزشمند باورهای بنیادین اسلامی بر سبک زندگی، هدف‌مند بودن انسان در کارهاست. زیرا انسان مؤمن و باورمند می‌داند که به‌خودی‌خود به وجود نیامده و کسی که او را خلق کرده و به‌صحنه گیتی آورده خداوندی حکیم بوده است و او کسی است که انسان را برای هدف بس بزرگی که همانا جانشینی او در زمین «انی جاعل فی الارض خلیفة» (بقره: ۳۰) و عبودیت او است «ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»، (ذاریات: ۵۶) آفریده است و می‌داند که حساب و کتابی در راه بوده و روزی از اعمال و کردار کوچک و بزرگ پرسیده می‌شود «کل نفس بما کسبت رهینه»؛ (مدثر: ۳۸) بنابراین، او در تمام مراحل زندگی مواظب بوده و سبک زندگی و رفتارش را طوری تنظیم می‌کند که فردای قیامت در حضور پروردگار شرم‌منده نباشد.

۳- نزول برکات

یکی از پیامدهای مهم نگرش‌ها و باورهای اساسی اسلامی در زندگی که از جمله مهم‌ترین فوائد مادی نیز محسوب می‌شود این است که این مسأله باعث نزول برکات در زندگی می‌باشد. زیرا کسی که باور به خالق جهان هستی و باور به مبدأ و معاد داشته و زندگی خود را بر اساس آن تنظیم نموده و تلاش داشته باشد که بر وفق آن عمل نموده و در زندگی تقوای الهی را پیشه خود سازد، مسلماً بر اساس وعده الهی برکات در زندگی شامل حال او خواهد شد.

انسان برای برطرف کردن مشکلاتی چون فقر و کمبودها، بیشتر به عوامل طبیعی آن‌ها توجه نموده و برنامه‌هایی از این طریق انجام می‌دهد. اما قرآن کریم از علل دیگری یاد می‌کند که برتر از علل مادی بوده و هرگز نمی‌توان با علم و تجربه به آن واقف شد. طبق فرموده قرآن، یکی از راه‌های مهم برخورداری از برکات الهی، ایمان به خداوند در نظام هستی بوده و آیه‌ای

از سورة اعراف به این مهم گوش زد می کند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ (اعراف: ۹۶) «و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشت شان رسانیدیم». و در مورد اهل کتاب هم می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده: ۶۶)؛ «اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از سوی پروردگار شان به سوی ایشان نازل شده عمل می کردند، قطعاً از بالایی سرشان (برکات آسمانی) و از زیر پاهای شان (برکات زمینی) برخوردار می شدند». در مقابل این آیات، فراموشی یاد خدا عامل گرفتاری به سختی ها است. چنانچه در آیه ای چنین آمده است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴)؛ «هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سختی خواهد داشت». همه این آیات می رساند که ایمان به خدا و تقوای الهی در نظام هستی باعث نزول برکات و نعمت های الهی و روگردانی از او باعث سختی و مشکلات در زندگی است.

۴- سلامت جسمانی

از اثرات بسیار کاربردی باورهای اساسی اسلامی در زندگی فرد مسلمان این است که این مسأله موجب تضمین سلامت جسمانی در زندگی انسان در نظام هستی می گردد. زیرا که انسان مؤمن دستورات بسیار متعددی را که خداوند برای سلامتی بندگان خود در زندگی روزمره بیان نموده، عمل می نماید که این خود باعث سلامتی می گردد. مثلاً در دستورات دینی توصیه به رعایت نظافت شده و از خوردن خوراکی های مضر، مشروبات الکلی و غیره که برای سلامت جسمانی انسان مضر بوده نهی شده اند که رعایت این ها طبعاً سلامتی جسمانی را به دنبال خواهد داشت. (تأثیرات ایمان در زندگی، گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، پایگاه اطلاع رسانی رویش اخلاق و تربیت، بخش پاسخ به سوالات)

۵- آرامش روحی

از دیگر کارکردهای نگرش اسلامی در زندگی روزمره این است که ایمان به خدا در نظام هستی باعث آرامش روحی انسان‌های متدین می‌گردد که برخی از آن آثار عبارتند از:

یک- افرادی که به خدا ایمان دارند، یقین دارند که او به‌عنوان یک قدرتی بی‌منتها دوست و یاور آن‌ها بوده و آنان را از تاریکی‌ها به‌سوی نور و روشنایی هدایت می‌کند؛ «اللّٰهُ وَلِيّ الَّذِيْنَ آمَنُوا يَخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ»؛ (بقره: ۲۵۷) خداوند یاور مومنان است و آن‌ها را از تاریکی به روشنایی می‌برد.

دو- ایمان به‌خدا موجب توکل کامل به او می‌شود و همین مایه آرامش مؤمنین است؛ «وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳)؛ هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. سه- ایمان به‌خدا موجب اعتماد کامل به او گشته و افراد مؤمن با تکیه بر خداوند، نتیجه کارشان را به او واگذار نموده و یقین دارند که حتماً او کارها را به‌صلاح بندگان خود تغییر می‌دهد ولو اینکه آن کار فعلاً طبق میل او انجام نشود؛ «عسىٰ ان تَكْرَهُوا شَيْئًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ». (بقره: ۲۱۶)

چهار- کسانی‌که به خدا ایمان دارند، همواره راضی به قضای الهی می‌باشند که این امر باعث آرامش روحی او می‌گردد. (اصول کافی- ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص: ۷۹)

پنج- کسانی‌که به خدا ایمان دارند، در برابر امر خدا تسلیم می‌باشند. (همان)

بنابراین، مؤمنین واقعی علی‌رغم همه مشکلاتی که سر راه آن‌ها وجود دارد، بدون هیچ ناراحتی و ترس و با آرامش کامل روحی، مشکلات را از سر راه برداشته و فراز و نشیب‌های زندگی را تا رسیدن به‌سرمنزل مقصود طی نموده و هرگز دچار بیماری‌های روحی و روانی نخواهند شد.

قرآن در این مورد می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح: ۴)؛ «... مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۶۲)؛ کسانی‌که ایمان به خدا و روز قیامت دارند ... هیچ ترس و ناراحتی بر آن‌ها نیست.

۶- لذت و نشاط معنوی

از اثرات مهم دیگری که باورهای بنیادین در زندگی دارد، برخوردار شدن انسان از يك سلسله لذت‌ها در پرتو این باور است که «لذت معنوی» نامیده می‌شود. زیرا انسان در نظام هستی از دو نوع لذت برخوردار است که لذت اولی از طریق یکی از حواس انسان حاصل می‌شود مانند لذتی که چشم از دیدن و گوش از راه شنیدن و دهان از راه چشیدن و لامسه از راه تماس می‌برد. ولی لذت دومی لذتی است که با عمق روح و جان آدمی مربوط بوده و به هیچ عضو خاصی اختصاص نداشته و تحت تأثیر برقراری رابطه با يك ماده بیرونی حاصل نمی‌شود؛ مانند لذتی که انسان از محبوبیت و احترام، یا از احسان و خدمت، یا از موفقیت خود و فرزند خود می‌برد که نه به عضو خاصی تعلق داشته و نه تحت تأثیر مستقیم يك عامل مادی خارجی است. لذات معنوی از هر لحاظ از لذات مادی قوی‌تر و پایدارترند. مثلاً لذت پرستش و عبادت خدا برای کسانی که این لذت را چشیده‌اند از این همین نوع لذت است که یک انسان عابد بالاترین لذت‌ها را از عبادت خدا می‌برد.

ایمان به خدا در نظام هستی، حلاوت و لذتی فوق همه حلاوت‌ها و لذت‌های دارد. ارزش و لذت معنوی آن‌گاه افزون می‌گردد که کارهایی از قبیل احسان، خدمت، کسب علم، موفقیت و غیره برای خدا انجام و از حس دینی ناشی شده و در قلمرو عبادت خدا قرار گیرد و این نوع لذت در پرتو ایمان به خدا و جهان‌بینی دینی میسر می‌گردد.

همین‌طور، مرتبه بالای ایمان به خدا در نظام هستی چنان نشاط معنوی را پدید می‌آورد که هیچ لذتی را یارای مقابله با آن نیست و جای‌گزین آن نمی‌گردد و این همان مرتبه‌ای است که وقتی برخی از بندگان الهی و فرشتگان مقرب به آن مرتبه نایل می‌شوند، همیشه مشغول عبادت خداوند گشته و هرگونه کسالت و تنبلی از آن‌ها دور می‌شوند.

امام علی (ع) راجع به صفات ملائک می‌فرماید: «فَهُمْ أَسْرَاءُ إِيْمَانٍ لَمْ يُفَكَّهُمْ مِنْ رَبَّقَتِهِ زَيْغٌ وَ لَا عُذُولٌ وَ لَا وَنَى وَ لَا فُتُورٌ»؛ فرشتگان اسیر و گرفتار ایمان هستند (بطوری که ممکن نیست از آن دست کشیده و برخلاف امر و فرمان الهی رفتار کنند) میل و عدول از حق، سستی و کاهلی (در عبادت) آن‌ها را از ایمان جدا ننموده است. (نهج‌البلاغه: خطبه ۹۰)

۷- خوش بینی

از دیگر آثار باورهای بنیادین در زندگی، خوش بینی به نظام هستی و جهان خلقت بوده و به تلقی انسان از جهان شکل خاصی می‌بخشد، به این صورت که جهان هستی را هدف‌دار معرفی نموده و هدف آن را سراسر خیر، تکامل و سعادت می‌داند. این نحوه تلقی از جهان خلقت، دید انسان را مسلماً نسبت به کل هستی و قوانین حاکم بر آن تغییر داده و خوش بینانه می‌سازد. کسی که به مخلوق بودن و هدف‌مندی نظام هستی، تکامل و سعادت ایمان دارد، مانند کسی می‌ماند که تمام قوانین و دستورهای حکومتی کشور متبوع را صحیح و عادلانه دانسته و به حسن نیت گردانندگان آن ایمان دارد و طبعاً زمینه تعالی و ترقی را برای همه افراد فراهم می‌بیند. از دید چنین فردی، در تشکیلات کشور کدام نقصی وجود ندارد و اگر مشکلی باشد به خاطر عقب‌ماندگی او و امثال اوست که وظیفه خودشان را درست انجام نداده‌اند. چنین اندیشه‌ای طبعاً او را با خوش بینی و امیدواری به حرکت واداشته و موجب می‌شود تا او برای غلبه بر مشکلات، از هیچ تلاشی دریغ نورزد.

بر عکس، اگر فردی تمام قوانین کشور متبوع را ظالمانه و فاسد تلقی نمود و مجبور به پیروی از آن باشد، درون چنین کسی همواره پر از کینه، عقده و اضطراب بوده و هرگز به فکر اصلاح خودش نیفتاده و هیچگاه از زندگی در آن کشور لذت نخواهد برد. مسأله در نظام هستی نیز چنین است که انسان‌های بی‌ایمان و بدبین به نظام خلقت، هرگز از زندگی در این جهان لذت نبرده و جهان برای او چون زندان هولناکی است که مشکلات و اضطراب‌های متعددی را به دنبال دارد. طبق فرموده قرآن: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (طه: ۱۲۴)؛ هرکس از توجه و یاد من رو برگرداند، زندگی سخت و پر از فشاری خواهد داشت. بنابراین، ایمان به هدف‌مندی جهان هستی و اعتقاد به پایان خوش است که زندگی و شرایط سخت و پر پیچ‌وخم آن برای انسان آسان نموده و مانع فشار عوامل روحی و اضطراب‌آور می‌شود.

۸- امیدواری

از آثار دیگر اعتقادات و باورهای مبنایی در زندگی، امیدوار بودن انسان به نتایج اعمال و تلاش خود در زندگی بوده و انسان امیدوار است که محصول تلاش و کردار خود را در سرای دیگر

بی‌بیند؛ «و ما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله». (بقره: ۱۱۰) در منطق چنین فردی، خالق جهان نسبت به تلاش‌های او بی‌طرف و بی‌تفاوت نبوده و خدای متعال در عالم آفرینش، حامی افرادی است که در راه حق و حقیقت، درستی، عدالت و خیرخواهی تلاش می‌کنند: «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد: ۷) اگر خدا را یاری کنید (در راه حق گام بردارید) خداوند شما را یاری می‌کند. همین‌طور چنین انسانی مطمئن است که اجر و پاداش نیکوکاران هرگز هدر نمی‌رود: «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف: ۹۰) و او همواره به کمک خداوند امیدوار بوده و در بحران‌های زندگی نه تنها ناامید و مضطرب نمی‌شود بلکه برای دست‌یابی به اهدافش دست‌یاری به سوی خداوند دراز می‌کند؛ زیرا یقین دارد که در جهان هستی، اوست که قادر مطلق بوده و بندگان را در این مسیر یاری خواهد کرد.

۹- اطمینان خاطر

یکی از کاربردهای مهم باورهای اساسی در زندگی، اطمینان خاطر است؛ زیرا انسان فطرتاً در جستجوی سعادت بوده و از تصور نایل شدن به سعادت، خوشحال و از محرومیت و آینده‌شوم، به شدت مضطرب و نگران می‌شود. معمولاً آنچه که مایه سعادت انسان است، اموری چون تلاش و اطمینان به شرایط و محیط است. مانند دانش‌آموزی پرتلاش و کوشا که اگر به محیطی که در آنجا تحصیل نموده و به معلمی که آخر سال به او نمره می‌دهد، اعتماد نداشته باشد، در تمام ایام سال، نگرانی، اضطراب و دلهره سرپای وجودش را خواهد گرفت. جهان‌بینی اسلامی هم به انسان نسبت به جهانی که با او طرف معامله است، اعتماد و اطمینان بخشیده، دلهره و نگرانی او را نسبت به رفتار جهان در برابر انسان برطرف ساخته و به او اطمینان خاطر می‌دهد.

۱۰- احساس عزت و عدم خوف

از کاربردهای مهم دیگر باورهای بنیادین، احساسات عزت انسان مؤمن است. زیرا کسی که دلش با حق تعالی پیوند خورده است، هیچ ترس و بیمی بخودش راه نداده و هموار خود را غالب می‌داند، چون او با کسی پیوند دارد که همه عوالم وجود مسخر او و در ید قدرت او هستند. «ان الله على كل شئ قدير» (بقره: ۱۰۹)

صفت «عزت» در قرآن، برای خدا، پیامبر (ص) و مؤمنین به کار رفته است «و لله العزة و لرسوله و للمؤمنين». (منافقون: ۸) عزت حالتی برای روح مؤمن است که خویش را غالب می‌بیند. زیرا او ترس ندارد و ترس برای کسی است که خود را مغلوب می‌نگرد.

امام صادق (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «ان المؤمن من يخافه كل شيء. و ذلك انه عزيز في دين الله، و لا يخاف من شيء و هو علامة كل مؤمن». (بحار الأنوار ج ۶۴ ص ۳۰۵) همانا همه موجودات از مؤمن می‌ترسند، زیرا که او به دین عزت یافته است (یعنی محکوم هواهای نفسانی نیست) و از چیزی نمی‌هراسد و این نشانه هر مؤمنی است.

حضرتش در جای دیگری می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامُّ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُهَا وَ طَيْرُ السَّمَاءِ»؛ همانا همه موجودات در برابر مؤمن فروتن هستند حتی درندگان و پرندگان. (بحار الأنوار ج ۶۴ ص ۷۱)

این اثر ایمانی موجب می‌شود که اهل دنیا در تاریخ همواره از اولیای الهی در اضطراب و رعب باشند. (مجتبی تهرانی، آثار فردی و اجتماعی ایمان) در نتیجه کسی که هستی را مقهور خداوند قهار دانسته و ارتباط خود را با او مستحکم کرده است، همواره عزت‌مند بوده و از کسی و چیزی ترس و وحشتی به خود راه نمی‌دهد.

۱۱- بردباری در برابر مشکلات

از تأثیرات دیگر باورهای بنیادین، ایجاد نیروی مقاومت در انسان در اثر صبر و تبدیل تلخی‌های زندگی به شیرینی است. زیرا صبر و شکیبائی میوه یقین بوده و هر که در نظام هستی یقین به عدل خداوند داشته باشد، می‌داند که به ازای هر بلا و مصیبتی به او پاداش داده خواهد باشد «و لنبلونكم بشئ من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و النفس و الثمرات و بشر الصابرين*... اولئك عليهم صلوات من ربهم و اولئك هم المهتدون» (بقره: ۱۵۵ و ۱۵۷) که هر عاقلی که آن‌ها را با هم بسنجد به خاطر رسیدن به ثواب، بر آن مصیبت راضی گشته و می‌داند که صبر و شکیبائی، ثواب او را مضاعف گردانده و جزع باعث نقص یا حبط آن می‌گردد.

امام علی (علیه السلام) بالاترین صفات مؤمن را حیا و صبر دانسته و فرماید: «و لا ایمان کالحیاء و الصبر» (نهج البلاغه: حکمت ۱۰۹)؛ هیچ ایمانی مانند شرم و شکیبایی نیست (زیرا با این دو ایمان انسان کامل می گردد).

امام صادق (ع) می فرماید: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيْمَانُ» (کافی، ج ۲، ص ۸۹)؛ صبر نسبت به ایمان مانند سر است نسبت به تن، هر گاه سر برود تن می رود، همچنین هر گاه صبر برود ایمان می رود. پس می توان گفت اساسی ترین و پرفضیلت ترین صفت مؤمنین، صبر آنها در نظام هستی می باشد که زندگی انسان در سایه صبر و شکیبایی بسیار پربار خواهد شد.

۱۲- فوائد متعدد اجتماعی

از دیگر اثرات بسیار ارزشمند باورهای بنیادین در زندگی، تأثیر اجتماعی آن است که انسان های مؤمن در نظام هستی در زندگی خود مشاهده می کنند؛ مانند: ۱- تأمین حوائج مادی دیگران (توبه: ۷۱، انفال: ۳)؛ ۲- امر به معروف و نهی از منکر (توبه: ۷۱، آل عمران: ۱۱۴)، ۳- همیاری و تعاون با مردم (توبه: ۷۱)؛ ۴- رفتار متواضعانه با مردم (فرقان: ۶۳)؛ ۵- پیشی گرفتن در امور خیر (مؤمنون: ۵۹)؛ ۶- عدم طرح دوستی با کافران (مجادله: ۲۲)؛ ۷- سعی و کوشش در امانت داری و ادای امانات (مؤمنون: ۸)؛ ۸- وفای به تعهدها و قراردادهای (مؤمنون: ۸)؛ ۹- صداقت در گفتار (نهج البلاغه: حکمت ۴۵۰)؛ اتحاد، اخوت و همبستگی؛ ۱۰- استقرار عدالت اجتماعی؛ ۱۱- دوری از فساد و انحرافات؛ ۱۲- برقراری امنیت اجتماعی و موارد متعدد دیگری که این نوشتار گنجایش توضیح مفصل آنها را ندارد.

حیات طیبه محصول نهایی جهان بینی اسلامی

نتیجه و محصول نهایی باورهای بنیادین و جهان بینی اسلامی همان حیات طیبه و پاک زیستی در دنیا بوده و کسی که سبک زندگی خود را بر چنین باورها و جهان بینی پایه ریزی می کند، طبعاً نتیجه نهایی آن، این چنین حیاتی خواهد بود و مسلماً حیات دنیوی هنگامی ارزشمند می شود که متصف به صفت «طیبه» گردد. «طیب» به معنای خوبی، پاکی و ضد «خیث»

بوده و حیات طیبه، حیاتی است که پاکیزه و مفید است. زیرا، انسان قرآنی یک حیات طبیعی دارد که همان حیات مشترک با سایر موجودات است و یک حیات معنوی و روحانی که نتیجه اطاعت خدا و دعوت پیامبر (ص) است «استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم». (انفال: ۲۴) واقعیت اشتغال به حیات طبیعی، چیزی جز لهو و لعب نبوده: «وما هذه الحیة الدنیا الا لهو و لعب». (عنکبوت: ۶۴) و انسان همواره پیچیده در سختی‌ها و مشکلات و آمیخته با اوهام و آرزوها است. اما حیات معنوی، حقیقتی جز پایان سختی‌ها و فعلیت یافتن استعدادها و رسیدن به آرامش ندارد. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۸۳)

قرآن کریم این نوع حیات را «حیات طیبه» نامیده و می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را احابت کنید...». (انفال: ۲۴) و سپس اذعان می‌دارد منظور از حیات، همان حیات طیبه است که نتیجه دو عامل ایمان و عمل صالح می‌باشد؛ «هرکس (از مرد یا زن) کار شایسته کند و مؤمن باشد قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات حقیقی بخشیم». (نحل: ۹۷)

روشن است که آیه شریفه، حیات طیبه را به دنیا یا آخرت مقید نکرده است؛ پس نمی‌توان آن را فقط به زندگی خوب پس از مرگ منحصر کرد. برای رسیدن به حیات طیبه اخروی، طبعاً باید حیات طیبه مناسب این دنیا که مقدمه آخرت است، ممکن باشد. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۸۳)

علامه طباطبایی (ره) در مورد حیات طیبه می‌گوید: «این حیات جدید و اختصاصی، جدای از زندگی سابق که همه در آن مشترک‌اند نیست؛ در عین اینکه غیر آن است با همان است. تنها اختلاف به مراتب است نه به عدد» (طباطبایی، بی تا، ج ۱۲، ص ۳۴۳). پس کسی که دارای حیات طیبه است، زندگی او روشن‌تر، قوی‌تر و دارای آثار بیشتر است. آثاری چون: حیات آگاهانه، بهره‌مندی از نعمت‌های الهی در مسیر تکامل، رهایی از قیود جسمانی، حرکت مستمر به سوی تعالی و تکامل، عبور از مسیر خام طبیعی و دستیابی به هدف اعلای زندگی که همان عبودیت و رسیدن به سعادت است. (مهدوی‌راد، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۸۳)

نتیجه‌گیری

باورهای بنیادین و نگرش‌های اساسی، دگرگونی و آثار عمیق و وسیعی را در سبک زندگی انسان پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و کردارهای انسان به سمت این نوع از باورها منعطف شده، و سبکی از زندگی را پی‌ریزی می‌کند که استعدادها، فطری و درونی انسان شکوفا و در مسیر ویژه هدایت شده و به تکامل می‌رسد. سبک زندگی اسلامی و رفتارها و گرایش‌های فرد مسلمان به خاطر تفاوت در باورها و نگرش‌ها، متفاوت با سبک زندگی مکاتب و نحله‌های غیر اسلامی بوده و از ویژگی‌های آن این است که با تمام ابعاد زندگی افراد اعم از مادی و معنوی مرتبط است.

با بررسی جنبه‌های متعدد سبک زندگی اسلامی پی خواهیم برد که سبک زندگی متشکل از سه سطح کلی باورها، گرایش‌ها و رفتارها است. بخش باورها که همان جهان‌بینی است ناظر بر مجموعه‌ای نظام‌مند از اعتقادات و باورهای دینی شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی است که برای انسان هویت‌ساز است. بخش گرایش‌ها که شامل هنجارها و ارزش‌ها است، به توانایی‌ها و سلاقی افراد و گروه‌ها در اجتماع جهت داده و مسیر را مشخص می‌کند که این مسیر در واقع به‌آن سمتی است که در جهان‌بینی و باورها ترسیم شده است. بخش رفتارها نیز شامل الگوها و شیوه‌هایی است که منطبق بر ارزش‌ها و هنجارها بوده و در آموزه‌های اسلامی تبیین شده است.

مجموعه اصلی باورهای بنیادین عبارتند از: باور به خداوند و توحید، باور به مخلوق بودن نظام هستی، باور به مخلوق بودن انسان، باور به معاد و عالم آخرت، باور به پیوستگی دنیا و عقبی و غیره که نظریه مکاتب غربی با مکتب اسلام در این خصوص تفاوت زیادی داشته و معمولاً این موارد در مکاتب غربی از جنبه مادی تحلیل شده و فراتر از آن به خاطر غیرتجربی و غیرحسی بودن مردود شده و غیرواقعی و احياناً از خرافات قلمداد می‌شوند که اعتقاد به آن اجباری نبوده و الزامی ندارد؛ اما در مکتب اسلام علاوه بر نگرش مادی، از لحاظ معنوی نیز به‌این مؤلفه‌ها نگریسته شده و بهای اصلی به جنبه معنوی داده شده است.

با گرایش هرنحله و مکتبی به سمت یک باور و جهان بینی خاص، گرایش ها و رفتارها در زندگی نیز متغیر خواهد شد و از همین روست که سبک زندگی غربی با زندگی اسلامی متفاوت بوده و غربی ها همه دارای سبک زندگی مادی و مسلمانان دارای سبک زندگی توأم با مادی و معنوی برای رسیدن به تکامل و سعادت است. براین اساس، زندگی مسلمان با تأثر از نوع باورهای بنیادین آنها، همراه با آرامش روحی، خویش بینی، امیدواری، هدف مندی، احساس عزت، سلامت جسمانی، نزول برکات، نشاط و شغف معنوی، متکی به تکیه گاه محکم و فواید متعددی در زندگی اجتماعی بوده که همه این موارد در نهایت منجر به حیات طیبه و پاک زیستی می شود.

کتابنامه

-
- ابوئی و دیگران، (۱۳۹۴)، مقایسه تحلیلی نگرش غربی حفاظت با جهان‌بینی اسلامی در تبیین و جوه فراکالیدی میراث معماری، پژوهش‌های معماری اسلامی، (۴)، بی‌جا.
- ایمان، محمدتقی و احمد کلاته ساداتی، (۱۳۹۹)، روش شناسی علوم انسانی نزد اندیشمندان مسلمان، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پورجوادی، نصرالله و میان محمد شریف، (۱۳۹۱)، تاریخ فلسفه در اسلام، تهران، انتشارات ستاد انقلاب فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی.
- پولادی، کمال، (۱۳۹۸)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (قرن بیستم)، تهران، انتشارات مرکز. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۷)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶)، حق و تکلیف در اسلام، قم، نشر اسراء.
- درخشان‌فر، تورج و همکاران، (۱۴۰۲)، تبیین و مقایسه پیش‌فرض‌های جهان‌بینی در رویکردهای اسلامی و غربی، دوفصلنامه مطالعات دین، معنویت و مدیریت، سال دهم، شماره ۱۸.
- دهخدا، علی‌اکبر، (بی‌تا)، لغت‌نامه دهخدا، بی‌جا.
- راد، علی، (بی‌تا)، انسان در تراز قرآن، قم، انتشارات دارالحدیث.
- رجبی، محمود، (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رحیم پورازغدی، حسن، (۱۳۸۱)، اسلام و مدرنیته (عقل‌گرایی و انسان‌گرایی)، کتاب نقد، بی‌جا، بی‌نا.
- رحیم پورازغدی، حسن، (۱۳۹۲ب)، چهار گفتار، تهران، انتشارات طرح فردا.

- شیروانی، علی، (۱۳۹۵)، کلیات فلسفه، تهران، انتشارات اندیشه مولانا.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (بی تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین.
- علوی پور، سیدمسعود، (۱۴۰۲)، باورهای بنیادین چه هستند؟، بی جا، بی نا.
- علی احمدی، علی رضا و حسین علی احمدی، (۱۳۸۳)، مدیریت ارزشی با تکیه بر ارزشهای اسلامی، تهران: انتشارات تولید دانش.
- علی پور، مهدی و سیدحمیدرضا حسنی، (۱۳۹۴)، پارادایم اجتهادی دانش دینی «پاد»، قم انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فرمیهنی فراهانی، محسن، (۱۳۸۹)، پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات آیش.
- فروزنده دهکردی، لطف الله و خورشید فروغی نیا، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر دیدگاه های انسان شناسی اسلامی و غربی بر نظام ارزشی سازمان، نشریه اسلام و پژوهش های مدیریتی، (۱).
- فیروزی، نعمت الله و همکاران، (۱۳۹۳)، نقش خدامحوری و مؤلفه های آن در مدیریت فرهنگی، مشهد، آموزه های علوم قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۰.
- قطب، سید، (۱۳۹۴)، ویژگی های جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی، ترجمه سیدمحمد خامنه ای، تهران، انتشارات بعثت.
- قنبریان، علی و همکاران، (۱۳۹۴)، کلیات و مبانی نظری سبک زندگی اسلامی، سایت پژوهش های معنوی.
- کاویانی، محمد، تربیت اسلامی، (۱۳۹۲)، گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری، مجله پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم، ش ۳.
- کافی، مجید (۱۳۹۳)، «پارادایم اسلامی روش شناختی علوم انسانی»، اسلام و علوم اجتماعی، (۱۱).
- کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، اصول کافی- ترجمه مصطفوی، بی جا، بی نا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، الکافی، بی جا، بی نا.

- گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، (بی تا)، تأثیرات ایمان در زندگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مجتبی تهرانی، (بی تا)، آثار فردی و اجتماعی ایمان، بی تا، بی نا.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴)، بحارالانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بی جا، موسسه الوفا.
- محمودی، مجید، (۱۴۰۱)، روراست (تر) بنگریم، بی جا، انتشارات عصر قلم.
- مرزوقی، رحمت الله، (۱۳۹۸ ب)، پارادایم اسلامی تولید علم، رهیافتی به تولید علم اسلامی تعلیم و تربیت در قلمرو علوم اسلامی، تهران، انتشارات آوای نور.
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۹)، «تبیین مفهوم مدیری لامی»، بی جا، تعاون، (۴۸).
- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۱ الف)، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۳)، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی (جهان بینی توحیدی)، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی، (بی تا)، فلسفه اخلاق، ج ۱، بی جا، بی نا.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶)، مدیریت و فرماندهی در اسلام، قم: انتشارات هدف.
- مهدوی راد، محمدعلی و همکاران، (۱۳۹۰)، منظومه باورهای بنیادین انسان سالم از دیدگاه قرآن، مجله فلسفه دین، سال هشتم، شماره یازدهم.
- میرزاحمدی، محمدحسن، حمید علین و غفور حسنی، (۱۳۸۷)، مقایسه اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ایده الیسم و پراگماتیسم، دانشور رفتار، (۳۰).
- میزیاک و سکتون، (بی تا)، تاریخچه و مکاتب روان شناسی، ترجمه احمد رضوانی، تهران، انتشارات پاد راه.
- نبوی، سیدعباس، (۱۳۷۶)، انسان و جامعه توسعه یافته از دیدگاه اسلام، بی جا، دانشگاه اسلامی، (۲).
- نقی پورفر، ولی الله، (۱۳۹۴)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، قم، مرکز آموزش مدیریت.

هاشم زاده، معصوم؛ حمیدرضا آراسته، حسین عباسیان و حسن رضا زین آبادی، (۱۳۹۸)،
ارائه الگوی تعالی بر پایه قرآن کریم، بی جا، بی نا.
هاشمی رکاوندی، سیدمجتبی، (۱۳۷۶)، تربیت و شخصیت انسانی، قم، انتشارات دفتر
تبلیغات اسلامی.

